

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۲، صص ۱-۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2023.701792](https://doi.org/10.30495/dk.2023.701792)

S

معرفی و بررسی ویژگی‌های سبکی سه رساله از سید محمد نوربخش خراسانی

نرگس افروز^۱، دکتر علی اصغر حلبی^۲، دکتر احمد رنجبر^۳

چکیده

نسخه‌های خطی معراجیه، تلویحات و فواید سه رساله از آثار منشور عرفانی تعلیمی دوره تیموری است که در قرن هشتم و نهم توسط سید محمد نوربخش خراسانی از صوفیان و عارفان این دوره به نگارش در آمده است. سبک نثر رساله‌های مذکور بیشتر نثر فنی است، چرا که نویسنده از تعداد بیشتر کلمات و ترکیبات عربی، آیات و احادیث، اطناب، آرایه‌های ادبی مثل سجع، موازنه، مراعات‌النظیر، اشتقاق، ترادف، واج‌آرایی، تضاد، تلمیح و تشبیه در این رسالات استفاده کرده‌است. وی در رساله معراجیه، معراج پیامبر اکرم (ص) را به روش عرفانی تشریح کرده و معتقد است که پیامبر اکرم (ص) با جسد مثالی، در حالت غیبت به این سفر روحانی رفته و هر آنچه مشاهده کرده، همه صورت‌های مثالی بوده است. از این رساله ۱۱ نسخه در کتابخانه‌های ایران موجود است. رساله تلویحات و فواید تک نسخه‌ای هستند. موضوع رساله تلویحات مقام انبیاء و اولیاء، تفاوت‌ها و شباهت‌های نبی و ولی، اعتقادات غلط علمای ظاهر و عوام‌الناس درباره انبیاء و اولیاء، اثبات اوصاف بشری برای اولیای الله، خوارق عادت، ریاضت‌های جوکیان هندی، اهمیت مقام صحو و محبت در حق اولیای الله، رساله فواید درباره آثار گناه و ظلم، تهذیب نفس، توسل به اولیای الله، نقد عقاید افراطی اهل ظاهر درباره تصرفات اولیای الله، صحت علم نجوم و تنزلات عالم غیب است. نویسنده در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی توصیفی ضمن اشاره مختصر به زندگی سید محمد نوربخش خراسانی، نسخه‌های معراجیه، تلویحات و فواید را معرفی و ویژگی‌های رسم‌الخطی و سبکی این آثار را از لحاظ زبانی، بیانی و فکری بررسی کرده است.

کلمات کلیدی: سید محمد نوربخش، نسخه‌های خطی، معراجیه، تلویحات، فواید، ویژگی‌های سبکی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

afroozalma@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

ali.halabi@iauctb.ac.ir

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ahmad.ranjbar.v@gmail.com

مقدمه

نسخه‌های خطی آثار ارزشمندی هستند که در بانک‌های نسخ خطی کتابخانه‌های مختلف نگهداری می‌شوند. این نسخه‌ها در بردارنده اندیشه بزرگان در حوزه‌های مختلف هستند. این آثار اگر شناسایی و احیاء نشوند، چه بسا با گذشت زمان از بین بروند و محتوای آن‌ها هرگز شناخته نشود. در حالی که هر کدام از بزرگان اندیشه، عمری را در سر مسائل بشری سپری کرده و توانسته‌اند راه برون‌شدی برای خیلی از مسائل بشری پیدا کنند. معرفی، نقد و بررسی این آثار ضمن آنکه ما را با نقاط قوت و ضعف بزرگان پیشین آشنا می‌کند، همچنین کمک می‌کند تا نسل کنونی و آیندگان نظرات و اندیشه‌های بهتر و محکم‌تر و قابل قبول‌تری ارائه بدهند.

رساله‌های معراجیه، تلویحات و فواید از متون منثور دوره تیموری هستند که بیشتر با نثر فنی نوشته شده‌اند. نویسندگان در نوشتن رساله‌ها از انواع آرایه‌های ادبی چون سجع، تضاد، اشتقاق، واج‌آرایی، جناس، تلمیح، مراعات‌النظیر، تنسیق‌الصفات، تتابع‌اضافات، و تشبیه استفاده کرده و نثری آهنگین و هنری ارائه کرده است. وجه غالب آثار مطالعه شده صنعت سجع و از لحاظ فکری این آثار جزو متون عرفانی و تعلیمی هستند.

تلاش نویسندگان در رساله‌های بررسی شده، توجه دادن مخاطب به چگونگی معراج پیامبر اکرم (ص)، جایگاه انبیاء و اولیاء در هدایتگری انسان به سمت تعالی و رسیدن به مقام انسان کامل، مراتب اولیاء، احیای قلب، تهذیب نفس، تاکید بر عشق و محبت، دوری از اخلاق ذمیمه، مذمت علوم غریبه، اهمیت و ارزش علم نجوم، زیبایی و وحدت وجود است. آشنایی با زندگی سید محمد نوربخش خراسانی، آثار و اندیشه‌های وی، گستره دانش ما را در حوزه عرفان و آثار عرفانی و تعلیمی و نیز نثر دوره تیموری و ویژگی‌های این دوره وسعت می‌بخشد.

پیشینه تحقیق

از جمله آثار درباره سید محمد نوربخش می‌توان به کتاب «تحقیق در احوال و آثار سید محمد نوربخشی اویسی» (صدقیانلو، ۱۳۵۱) و به مقاله‌های «تأثیر آراء ابن عربی بر تفکر عرفانی سید محمد نوربخش» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۰)، «خاتم‌الاولیا از دیدگاه ابن عربی و سید محمد نوربخش» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۳)، «نوربخشیه» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۱)، «نوربخشیان»

(مولوی، ۱۳۷۲) اشاره کرد؛ اما روی نسخه‌های معراجیه، تلویحات و فواید تحقیقی انجام نشده است، لازم شد این نسخه‌ها معرفی و بررسی شود.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش اسنادی کتابخانه و نیز روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است.

مبانی تحقیق

پیشینیان «نسخه» را گاه به معنی مطلق «کتاب» به کار می‌بردند و گاهی از آن کلمه هیأت رونویس شده کتاب و نوشته را اراده می‌کردند؛ از این رو به برگه‌هایی که بر روی آن‌ها مطلب یا مطالبی با دست، توسط قلم نی، قلم مو و قلم فلزی و با سیاهی مرکب نوشته شده باشد و آن برگه‌ها به هم متصل و پیوسته شده باشند، نسخه گفته شده است؛ «در گذر زمان با از بین رفتن نسخ خطی فقط تعدادی نسخه از بین نمی‌رود؛ بلکه بسیاری از تجربه‌ها و اندیشه‌هایی که در لابلای اوراق آنها خوابیده و نهفته نیز محو و نابود می‌شود» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

شیخ محمد بن محمد بن عبدالله نوربخش قهستانی (موسوی خراسانی ۷۹۵-۸۶۹ق) از صوفیان سده هشتم و نهم هجری ایران است. «وی طریقه اصیلی با یک فلسفه اشراقی بنیاد نهاد و حتی جامه سیاهی را که مریدانش می پوشیدند، بدین گونه توجیه می کرد که به رنگ سیاه یعنی اصل نور است» (شیبی، ۱۳۹۶: ۱۶۷). «وی در قائل متولد شد و در سن هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. مولد پدرش محمد بن عبدالله، قُطیف و مولد جدش، لخصاست و به همین دلیل در بعضی غزل‌ها لخصوی تخلص می‌کرد و در بعضی نوربخش» (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۴: ۳۷۵). «وی در جوانی مدتی از محضر میر سید شریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق) و ابن فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ق) بهره برد. نوربخش به دنبال کسب دانش راهی هرات شد و در آنجا به طریقه کبرویه پیوست. به خانقاه خواجه اسحاق در ختلان رفت و به او دست ارادت داد» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۳: ۱۱). «خواجه اسحاق خرقة آخرین سید علی همدانی را به او پوشانید و بر مسند ارشاد نشانند و امور خانقاه و جمیع سالکان را به او داد» (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۴: ۳۷۵-۳۷۶). «خواجه اسحاق به منظور ترویج مذهب شیعه، سید محمد نوربخش را ترغیب کرد و او را مهدی نام نهاد تا علیه شاهرخ تیموری ظهور کند» (همان: ۳۸۴). «آن دو در جمعه چهاردهم ۸۲۶ به کوه تیری که از قلاع ولایت ختلان است رفتند و خلق را دعوت کردند. بعضی از مفسدان سلطان بایزید خواجه را شهید کردند؛ اما نوربخش را مقید به هرات آوردند و به حصار اختیارالدین فرستادند و از آنجا به شیراز بعد به بهبهان و از آنجا به طرف شوشتر و

بصره و از بصره به حله و وی از آنجا به بغداد و زیارت مشاهده متبرکه رفت» (همان: ۳۷۹). «وقتی میر در کردستان بود، دوباره دستگیر شد و به اردوی شاهرخ در آذربایجان فرستاده شد. شاهرخ دستور داد میر را در چاه زندانی کنند. دوباره او را به هرات فرستادند. شاهرخ از وی خواست به منبر برود و از کار ارشاد خلق توبه کند» (صدقیانلو، ۱۳۵۱: ۳۹-۴۰). «وی اعلان کرد که دعوی خلافت نداشته و ندارد. در نتیجه این اعتراف، اجازه یافت که به تدریس - فقط علوم رسمی - بپردازد، به شرط آنکه دانشجوی زیاد نپذیرد و عمامه سیاه بر سر نگذارد. اما بالاخره از وی خواسته شد که قلمرو تیموریان را ترک گوید و به بلاد روم برود، ولی او ترجیح داد در ایران بماند و گیلان را انتخاب کرد. پس از مرگ شاهرخ به سال ۸۵۱، نوربخش به ری رفت و به ترویج طریقه صوفیانه خود مشغول شد و هم در آنجا به سال ۸۶۹ درگذشت» (شیبی، ۱۳۹۶: ۳۱۶). «وی دو پسر به نام‌های سید جعفر و شاه قاسم داشت. شاه قاسم بعد از پدرش، خلیفه او و مرجع سلسله نوربخشیه شد» (مولوی، ۱۳۷۲: ۸۱-۸۲). «مهمترین خلفای وی شمس‌الدین محمد گیلانی معروف به «اسیری» مؤلف مفاتیح‌العجاز در شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری و پسرش شاه قاسم فیض‌بخش است» (حلی، ۱۳۷۷: ۶۶۸).

برخی آثار وی عبارتند از: اجازه به شاه قاسم؛ الاعتقادات؛ اقسام دل؛ انسان‌نامه؛ بیان عوالم حس؛ حیا‌العارفین؛ تلویحات؛ سلسله‌الاولیاء؛ صحیفه‌الاولیاء؛ عوالم الخمس؛ فوائد؛ قیامت انفسی و آفاقی؛ کشف الحقایق؛ معاش السالکین؛ معراجیه و واردات (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۳: ج ۳۶، ۹۳۳).

معراجیه

این رساله با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شده و در برگه‌های ۱۶۶ تا ۱۸۶ مجموعه اصلی است. رساله شامل این مباحث است: تحمیدیه، تحیت حضرت محمد (ص)، اشاره به سندیت معراج از نگاه قرآن و حدیث، درج خلاصه بسیار مختصر سفر معراج، برشمردن شرایط شرح حقایق معراج مثل داشتن مقام ولایت، صحبت مرشد کامل، ریاضت و مجاهده و داشتن قیافه پسندیده و سیرت حمیده. نقد، استدلال و رد نظر حکمای طبیعی و علمای ظاهر مبنی بر معراج پیامبر با جسد کثیف عنصری، اشاره به عوالم وجود، استدلال معراج پیامبر با جسد مثالی و در حالت غیبت، اشاره به تعدد معراج پیامبر، اشاره به معراج عرفا، توضیح سیر نزولی فیوضات الهی از اعیان ثابته تا رسیدن به اجسام کثیف عنصری، جایگاه نماز در معراج، شمردن ۲۲ صورت مثالی در مسأله معراج، مطابقت دادن آن با اجزای نماز و شرح و توضیح صورت‌های

مثالی از نگاه عرفانی، مراتب نفس و قلب، افلاک تسعه، اشاره به حدیث ثقلین و سفارش امت به چنگ زدن به ریسمان الهی و اهل بیت.

تلویحات

این رساله در برگه‌های ۹۷ تا ۱۱۷ مجموعه اصلی و شامل این موضوعات است: جایگاه و مقام انبیاء و اولیاء و نقش آن‌ها در هدایت انسان، تفاوت‌ها و شباهت‌های نبی و ولی، مراتب اولیا بر حسب مقامات و احوال و مقام انسان کامل، زعم و گمان فاسد برخی علمای رسوم و عوام‌الناس در شناخت انبیاء و اولیاء و عجز این دسته از شناخت اولیای الله، راه شناخت اولیای الله، مذمت علوم غریبه در راستای ادعای کشف و کرامات، خوارق عادت، اشاره به برخی ریاضت‌های جوکیان هندی، اعتقادات غلوآمیز بعضی از مردم در نفی صفات بشری از اولیا و انبیاء، تبیین و اثبات حالات و صفات بشری برای انبیا و اولیا، مقام صحو و سکر، توسل و محبت به اولیای الله.

فواید

رساله فواید در برگه‌های ۱۱۷ تا ۱۳۶ مجموعه اصلی و درباره موضوعات زیر است: غفلت انسان‌ها، تاثیر ظلم و طغیان روی انسان، تلاش و اجتهاد در احیای قلب عمل کردن به کلام خداوند، عقاید افراطی و نادرست اهل ظاهر و عامه مردم درباره حدود معلومات، امکانات و تصرفات انبیا و اولیا، اشاره به مشابهت اهل کفر در همه زمان‌ها، فواید اخروی و دنیوی علم نجوم، وحدت وجود، ذکر مراتب فیوضات غیبی و اشاره به وحدت منشا اقوال انبیا، اولیا، حکما و علما، ترک اعتراض بر صنع خداوند و تأمل درباره جهان آفرینش.

معرفی نسخه‌ها

معراجیه: شامل ۱۱ نسخه در کتابخانه‌های ایران با این مشخصات است: دو نسخه در کتابخانه مجلس به شماره ثبت‌های ۱۵/۲/۱۹۷، ۱۰/۱۷۲۴۵؛ دو نسخه در کتابخانه ملک به شماره ثبت‌های ۱۹/۵۴۷، ۱۵۴/۴۰۵۷؛ یک نسخه در دایره‌المعارف به شماره ثبت ۲/۵۵؛ دو نسخه در کتابخانه مرعشی قم به شماره ثبت‌های ۱/۷۵۵۳، ۱۱/۹۳۵؛ سه نسخه در کتابخانه رضوی به شماره ثبت‌های ۳۳۹۴۰، ۲۸۳۴۹، ۳۳۱۰۴ و یک نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۳/۳۴۹۷ (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۳، ج ۳۰: ۳۸۹-۳۹۰).

نسخه اساس (نسخه شماره ۱۵/۱۹۷/۱۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی) شامل رساله معراجیه در ۱۱ برگ یا به عبارتی ۲۱ صفحه است که در صفحات ۱۸۶-۱۶۶ مجموعه اصلی و ۱۷ سطری است. خط نستعلیق، جلد تیماج و اندازه ۲۰ در ۱۴ سانتی‌متر است. بی‌کاتب و تاریخ کتابت قرن دهم. خط کشیدگی زیر برخی کلمات و جملات فارسی و عربی با شنگرف قرمز. گاهی درج حرکت فتحه با شنگرف قرمز روی برخی حروف، مثل «آجزای براق» (۱۷۹، س ۶)، در حاشیه‌نویسی علامت ۷ مانندی در متن، بالای سطر اصلی درج شده، سپس در حاشیه جمله‌ای نوشته شده است. گاهی جایی که «پ» و «ی» در کلمه‌ای کنار هم هستند، دو نقطه زیر کلمه درج شده است. «پیوست» (۱۶۸، س ۸)؛ جایی که «ب» و «ی» در کنار هم هستند، سه نقطه متمرکز زیر کلمه درج شده است. «طبیعی» (۱۶۸، س ۱۰)؛ اضافه شدن حرفی به کلمه: «الف» در «وجود کثیف اقدام و اتم» (۱۷۳، س ۶)؛ خط‌خوردگی کم نسخه؛ کلمه «هجم» به جای «حجم»: «آن آینه در هجم مقدار برگ» (۱۷۲، س ۶-۵)؛ «ی» به جای «ئ»: «ملایکه» (۱۶۸، س ۱۴)؛ دو نقطه زیر «ی»: «هر شی» (۱۶۸، س ۱۳)؛ جدایی «ب» از فعل: «به بینی» (۱۷۶، س ۶)؛ «همگی» به جای «همه»: «به همگی همت» (۱۱۷، س ۸)؛ حذف الف ضمیر «او»: «ازو صادر شده باشد» (۱۷۷، س ۱۴)؛ حذف تنوین: «موطناً و مدفنأ» (۱۷۸، س ۱۱)

نسخه ملک (نسخه شماره ۱۹/۵۴۷ موجود در کتابخانه ملک و موزه ملی): قسمت نوزدهم از مجموعه اصلی، ۹ برگی یا به عبارتی ۱۶ صفحه‌ای در صفحات ۴۸۲ تا ۴۹۷ مجموعه. اندازه ۱۸/۷ × ۹/۸ سانتی‌متر، ۲۱ سطری. بی‌کاتب و تاریخ کتابت قرن یازدهم. خط نستعلیق، کاغذ ترمه و جلد میشن. نسخه منظم و خط بسیار ریز. صفحات سمت راست رکابه‌دار.

تلویحات: تک نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۹۳۹/۷ (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۳۰۹) قسمت هفتم مجموعه اصلی. این تک نسخه ۱۰ برگی یا ۲۱ صفحه‌ای در برگ‌های شماره ۹۷ تا ۱۱۷ مجموعه. برگ‌های ۱۰۷-۹۹، ۱۴ سطری، برگ‌های ۱۰۹-۱۰۸، ۱۳ سطری و در برگ‌های ۱۱۷-۱۱۰، ۱۵ سطری است. بی‌کاتب و بی‌تاریخ. کاغذ هندی نخودی، جلد تیماج قرمز و اندازه ۲۶ × ۱۵/۵ سانتی‌متر. صفحات جدول کشی شده شنگرفی، افتادگی در آغاز، خط کشیدگی زیر برخی کلمات، عبارات و جملات با شنگرف قرمز و درشت‌مثل «بیت»، «نظم»، «ای عزیز». صفحات سمت راست رکابه‌دار. برخی کلمات در حاشیه. گاهی خط خوردگی، حرف «ذ» به جای «ز» دو بار: «ذکریا علیه‌السلام» (۱۰۸، س ۱۳)؛ «ذکریاع» (۱۰۹، س ۳)؛ در این بیت کلمه «صفا» در حاشیه بالا، روبه روی کلمه «وفا» پیشنهاد

شده است: «دلا در صحبت اهل وفا باش / چو صحبت یافتی اهل وفا» (۹۹، س ۱)؛ کلمه سوم به دو شکل: «سیوم» (۱۰۶، س ۹) و «سیم» (۱۰۹، س ۷)؛ اضافه شدن «ه» غیر ملفوظ به برخی کلمه‌ها: «زیاده» (۱۰۳، س ۴)، «متضاده» (۱۰۱، س ۹)، «میانۀ نبوت» (۱۰۰، س ۱۲)، درج دو نقطه زیر «ء» با کرسی «ی»: «ائمہ» (۹۸، س ۱)؛ برخی کلمات مشدد تشدید ندارد: «حَیْز حصر» (۹۹، س ۹)؛ کلمه «بسیاری» بدون «ی»: «بسیار از اکابر» (۱۰۰، س ۴)؛ «قلبی» به جای «قلب»: (۱۱۲، س ۱۲)؛ «الف» همزه دار بدون همزه: «در شان بعضی» (۹۹، س ۹)؛ جدایی «ن» نفی از فعل: «نه بینی» (۱۰۵، س ۹)؛ جمله تحیت به صورت‌های مختلف: «علیهما السلام» (۹۹، س ۱۱)، «زکریاع» (۱۰۹، س ۲)، «صلعم» (۱۱۰، س ۵)، «صلی الله علیه و سلم» (۱۱۰، س ۸)، «علیه السلام» (۱۰۷، س ۹)، «علیه التحیه و الثنا» (۱۱۵، س ۱۴-۱۳).

فوائد: تک نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۹۳۹/۸ (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۱۱۳۶)، قسمت هشتم مجموعه اصلی. ۱۰ برگگی یا ۲۰ صفحه‌ای، در برگ‌های ۱۱۷ تا ۱۳۶ مجموعه اصلی و ۱۵ سطری. کاتب «محمد بن عبدالعلی»، تاریخ کتابت، نهم رجب ۹۲۴ که در برگ ۱۳۶، سطر ۱۵-۱۴ به آن اشاره شده است: «تمت الفوائد فی بلده الکشمیر علی ید العبد المذنب محمد بن عبدالعلی بتاريخ تاسع رجب سنه اربعین عشرين و تسعمه» کاغذ، جلد، اندازه مثل نسخه تلویحات است. خط کشیدگی زیر برخی کلمات، عبارات و جملات مهم با شنگرف قرمز و درشت. صفحات سمت راست رکابه دار، برخی کلمات در حاشیه، دو مورد «ترا» به جای «تورا»: (۱۲۱، س ۳ و ۶)؛ «سیات» به جای «سینات» (۱۱۸، س ۹)؛ «چیزی» به جای «چیز»: «الله تعالی بر همه چیزی وکیل است» (۱۲۰، س ۴-۳)؛ صفت پس و پیش برای کلمه: «در این آیت دیگر» (۱۲۰، س ۹)؛ «ت» به جای «د» در «استعدادات» (۱۲۶، س ۱۴)؛ «همچو» به جای «همچون»: «همچو زحل» (۱۲۷، س ۱۲)؛ اتصال «یک» به کلمه بعد از خود: «یکبروج و یکدرجه» (۱۳۱، س ۷)؛ حرف ربط «تا» پیش از فعل: «و به اجسام لطیفه افلاک تا امتزاج نیافت» (۱۳۲، س ۶)؛ فعل ماضی به جای فعل مضارع: «و به اجسام لطیفه افلاک تا امتزاج نیافت ... از آن معانی نتوانست شنید.» (۱۳۲، س ۸-۶)؛ «ت» کشیده به جای «ه» گرد: «عقیدت ایشان» (۱۲۴، س ۱۱)، «کمال مرتبت ایشان» (۱۲۵، س ۱)؛ ضمیر «وی» و «او» برای غیر جاندار: «زحل را نحس اکبر می‌گویند... تجلیات از خواص وی است» (۱۲۵، س ۱۰-۷)؛ «دلو که بیوت زحل اند دلیلی روشن است بر شرف او» (۱۲۶، س ۷-۶).

ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه‌ها

«ک» به جای «گ»: «کردانید» (معراجیه، ۱۶۶، س ۳-۲)؛ «مکر» (تلویحات، ۹۸، س ۱۱)؛ «کردد» (فواید، ۱۱۸، س ۹).

«ج» به جای «چ»: «چنانکه اگر هر چند» (معراجیه، ۱۶۸، س ۱۷-۱۶)؛ «جون» (تلویحات، ۹۹، س ۲).

«ب» به جای «پ»: «بس از اینجا» (تلویحات، ۱۰۰، س ۱۰)؛ «بیدا نکنی» (فواید، ۱۲۱، س ۳).
برخی حروف بدون نقطه: «ج»، «ی»، «ق»، «پ»، «ذ»، «ش»، «ظ»، «ض»، «خ»، «ن»؛
«شعوده» (تلویحات، ۱۰۴، س ۷)؛ «مواعظ» (فواید، ۱۲۲، س ۴)؛ «باسند» (فواید، ۱۱۸، س ۴)؛
«تسحیر» (تلویحات، ۱۰۴، س ۷)؛ «گذشت» (معراجیه، ۱۷۵، س ۱).

حرکت مد روی «لام» «الهی»: «غیرت الهی» (تلویحات، ۱۱۶، س ۱۰)، «حمد الهی» (معراجیه، ۱۶۶، س ۹).

حرکت گذاری برخی کلمات: «أَمَّا غَيْبٌ» (معراجیه، ۱۷۱، س ۳)، «وَمَرَدَه» (فواید، ۱۲۴، س ۹).
«الف» به جای «ی» مقصور: «مصطفی» (تلویحات، ۱۰۳، س ۹)، «علی مرتضی» (معراجیه، ۱۷۳، س ۹).

تکرار کلمه در نسخه‌ها: «طبقه طبقه دیگر دیگر» (فواید، ۱۲۳، س ۲-۱)، «طوایف مذکوره در
در اطلاع بر ضمایر» (تلویحات، ۱۰۶، س ۵-۴)، «حصر صور مخصوصه بر معانی و حصر معانی
مخصوصه بر صور مخصوصه بر معانی مخصوصه و حصر معانی مخصوصه بر صور
مخصوصه» (معراجیه، ۱۷۱، س ۵-۴).

افتادگی حروف و بخشی از کلمه: «هد» در «خبر میدهد» (فواید، ۱۲۰، س ۱۲)؛ افتادگی
«الف» در کلمه «ابرهیم» (فواید، ۱۲۸، س ۱۱) «د» در کلمه «تسخیر بادداشتن» (تلویحات، ۱۰۵،
س ۶-۵)، «باش» در مصرع دوم بیت: «دلا در صحبت اهل وفا باش / چو صحبت یافتی اهل
وفا» (تلویحات، ۹۹، س ۱)، حرف «و» در کلمه «اولیا»: «در شان انبیاء و الیا» (معراجیه، ۱۷۱، س
۸).

استفاده از رسم‌الخطی عربی در نوشتن برخی کلمات: «دوایر سموات» (معراجیه، ۱۶۶،
س ۳-۲)؛ «سموات است» (فواید، ۱۳۲، س ۲).

«ه» گرد به شیوه رسم الخط عربی به جای «ت» کشیده: «عباره» (معراجیه، ۱۷۱، س ۱۷)؛
«صوره» (فواید، ۱۱۸، س ۲).

اتصال حرف اضافه «ب» به کلمه بعد از خود: «بمثنابه قطره‌ای» (معراجیه، ۱۶۶، س ۵)؛
«بسبب صم و بکم» (فواید، ۱۱۸، س ۵).

اتصال ضمیر اشاره «آن» به کلمه بعد از خود: «آنگاه» (معراجیه، ۱۶۶، س ۱۷-۱۶)؛ «آنست»
(تلویحات، ۹۹، س ۸)؛ «آنست» (فواید، ۱۱۸، س ۷).

اتصال «می» استمراری به فعل بعد از خود: «میشود» (معراجیه، ۱۶۹، س ۵)؛ «میرفت»
(تلویحات، ۱۰۷، س ۱۴).

اتصال فعل «است» به کلمه قبل از خود و حذف «الف»: «آنست» (معراجیه، ۱۶۹، س ۱۱)؛
«اختلافست» (تلویحات، ۹۹، س ۱۰).

اتصال حرف «که» به کلمه بعد از خود و حذف «ه» غیر ملفوظ: «بدانک» (تلویحات، ۹۸،
س ۵)؛ «بدانک حضرت» (معراجیه، ۱۷۰، س ۱۰).

اتصال «را» به کلمه بعد از خود: «آنرا» (معراجیه، ۱۶۷، س ۱۱)؛ «آسمانرا» (فواید، ۱۲۱،
س ۵).

افتادگی مد الف در برخی کلمه‌ها: «در ان دریا» (معراجیه، ۱۶۶، س ۵)؛ «انکه در معنی»
(فواید، ۱۱۸، س ۴).

اتصال «این» و «آن» به کلمه بعد از خود و حذف «الف» ضمیر «این» و «آن»: «برین نهج»
(معراجیه، ۱۶۶، س ۱۳)؛ «ازینجا» (تلویحات، ۹۹، س ۹).

ویژگی‌های سبکی

رساله‌های معراجیه، تلویحات و فواید از نثرهای دوره تیموری است. «کتاب‌های این دوره
[تیموری] گاهی ساده و گاهی متمایل به نثر مصنوع است. بهار می‌نویسد: «سبک نثر در دوره
تیموریان (قرن نهم) ... حد متوسط (است) یعنی میانه نثر ساده و فنی» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۹۹) و
نیز می‌نویسد: «سبک نثر در این دوره شیوه‌ای است میانه و هر چه پایین می‌آییم کم مغزتر و
ساده‌تر می‌شود» (همان). «در میان نویسندگان این عهد، بیشتر مترسلان را می‌یابیم که همان
شیوه ترسل را حفظ کرده و انشاء دشوار و مزین را می‌پسندیده‌اند، و گرنه بیشتر به نثر ترسل
توجه داشتند ... باید گفت که روش متداول عهد تیموری سبک ساده و روان در نثر است ...»

(صفا، ۱۳۸۳، ج ۴: ۶۶۵-۶۶۴). با مطالعه ویژگی‌های زبانی این سه رساله درمی‌یابیم که نثر این سه رساله بیشتر فنی است تا ساده و مرسل چرا که بیشتر مشخصات نثر فنی مثل تعداد بیشتر کلمات و ترکیبات عربی، اقتباس از آیات و احادیث و اشعار، اطناب، آرایه‌های ادبی مثل سجع، موازنه، مراعات‌النظیر، اشتقاق، ترادف، تضاد، واج‌آرایی، تلمیح و تشبیه در این رسالات دیده می‌شود. «اقتباس» مهمترین ویژگی آثار عرفانی است که از دیرباز در بین عرفا رایج بوده و «نخستین اثر این فن در نثر عربی از مکاتیب پیامبر (ص) دیده می‌شود. که در آن، آیاتی از قرآن کریم به طریق اقتباس و نقل به جای رکن اصلی مکتوب به کار رفته و سپس در خطب و بعضی از نامه‌های خلفا و زعمای عرب نیز این روش مراعات شده است» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۹۷).

ویژگی‌های زبانی

استفاده از آیات و احادیث: «خیر الامور اوسطها طریقه اعتدال ... است» (معراجیه، ۱۷۰، س ۹)؛ «خازنان اسرار فاوحی الی عبده ما اوحی» (تلویحات، ۹۸، س ۳-۲)؛ «به موجب والله خلقکم و ما تعملون مجموع نقوش...» (فواید، ۱۳۳، س ۹-۷).

استفاده از ترکیبات عربی: «افلاک و ما فیها» (معراجیه، ۱۶۶، س ۵)؛ «اگر نعوذ بالله من ذلک ظلمت» (فواید، ۱۲۱، س ۱۴)؛ «امتیاز کما هو حق» (تلویحات، ۱۰۱، س ۱۳).

استفاده از اشعار شعرای قبل همچون سعدی، عطار، مولانا، سنایی

شنیدم که جمشید فرخ سرشت
بر این چشمه چون ما بسی دم زدند
به سرچشمه بر به سنگی نوشت
گذشتند تا چشم بر هم زدند
گرفتیم عالم به بازوی زور
ولیکن نبردیم با خود به گور^۲
(خزائی، ۱۳۷۹: ۱۸۶)

پیـر بایـد راه را تنهـا مـرو
وز سر عمیـا در یـن دریا مـرو^۳
(گوهرین، ۱۳۷۸: ۱۷۵)

ساختن صفت به شیوه عربی: «آن عالم الطف و اعلی و اشرف و اقوی» (معراجیه، ۱۷۲، س ۱۶)، «انزل و اسفل» (فواید، ۱۱۸، س ۶)؛ «اعلی و اقوی» (تلویحات، ۱۱۱، س ۸-۷).

مطابقت موصوف و صفت به شیوه عربی: «طایفه واصله» (تلویحات، ۹۸، س ۶)؛ «آیه شریفه» (معراجیه، ۱۷۰، س ۷).

صفت مونث برای جمع مکسر عربی: «جواهر نفیسه» (معراجیه، ۱۶۷، س ۱)؛ «احادیث صحیح» (تلویحات، ۹۹، س ۶).

استفاده از جمله معترضه: «حضرت حق عز شانه» (فواید، ۱۲۱، س ۱)؛ «جعفر بدخشانی قدس الله سرّه» (معراجیه، ۱۷۴، س ۱).

استفاده از افعال دعایی: «برساناد» (تلویحات، ۱۱۷، س ۸؛ معراجیه، ۱۸۶، س ۱۳-۱۲).

تکرار (فعل، اسم، حرف): «در آن مقام آن را اقتضای اعیان ثابته خوانند و از اعیان ثابته بر ارواح طیبه و خبیثه فیضان می یابد و در آن مقام آن را سعادت و شقاوت ازلی خوانند و از ارواح بر اجسام لطیفه فلکیه فیضان می یابد» (معراجیه، ۱۷۶، س ۱۷-۱۴) «اگر جوان باشد و اگر پیر و اگر غنی باشد» (تلویحات، ۱۰۲، س ۱۳).

تکرار اعداد برای شمارش: «از افلاک هزار هزار بیشتر گذشته است» (معراجیه، ۱۷۲، س ۱۴) «واحداً و واحداً همه را بیان فرماید» (معراجیه، ۱۷۷، س ۱۱).

به هم ریختن نظم جمله: تقدم مفعول: «آدم را دید علیه السلام در آسمان» (معراجیه، ۱۸۲، س ۱۰)؛ تقدم فعل: «واجب نمود چند کلمه در صفت معرفت اولیاء» (تلویحات، ۹۹، س ۳)؛ تقدم متمم: «به هر غافل تیره روزگار مفید نیست مواعظ» (فواید، ۱۲۲، س ۴).

فاصله افتادن میان اجزای فعل مرکب: «اعتراض بر صنعت علیم حکیم نباید کرد» (فواید، ۱۳۳، س ۱۲-۱۱)؛ «امتیاز میان معانی صرف و امور عجیب نتوانند نمود» (تلویحات، ۱۰۴، س ۴).

جمله شرطی با ادوات شرط و «ی» استمراری در آخر فعل: «اگر به مقتضای طباع عوام کالانعام بودی» (فواید، ۱۲۰، س ۴)، «اگر شراب آشامیدمی امت من مثل امت عیسی بودندی» (معراجیه، ۱۸۲، س ۷).

سبقت صفت بر موصوف: «بسیار جوکیان هستند» (تلویحات، ۱۰۷، س ۶)؛ «عذابی چند مشاهده نمود» (معراجیه، ۱۶۷، س ۷)؛ «اجلاف امم» (فواید، ۱۲۲، س ۸).

نمودن به معناهای: ۱. داشتن: «اعتقاد نمودن واجب است.» (معراجیه، ۱۶۶، س ۱۳)؛ ۲. کردن: «مشاهده نمود» (معراجیه، ۱۶۷، س ۷)؛ «نتوانستند نمود» (فواید، ۱۲۰، س ۹)؛ ۳. شدن: «واجب نمود» (تلویحات، ۹۹، س ۳).

«فرمود» به جای «کرد»: «مشاهده فرموده است» (معراجیه، ۱۸۲، س ۸)؛ «معلوم فرمایند» (فواید، ۱۲۰، س ۸).

«گشت» به جای «شد»: «معین گشته» (معراجیه، ۱۶۹، س ۱۰)؛ «معلوم گشت» (فواید، ۱۲۲، س ۳).

«ساخت» به جای «کرد»: «سوار ساخت» (معراجیه، ۱۶۷، س ۴)؛ «شهید ساخته‌اند» (تلویحات، ۱۰۹، س ۵).

«بود» به جای «باشد»: «اگر رسیده بود» (تلویحات، ۱۰۲، س ۱۴)؛ «هیچ عجیب نبود» (فواید، ۱۲۴، س ۱۵).

«شنودن» به جای «شنیدن»: «گفت و شنود» (معراجیه، ۱۶۷، س ۹)؛ «شنوده باشی» (تلویحات، ۱۰۷، س ۴-۳).

«بر» به جای «به»: «بر همه چیزی وکیل است» (فواید، ۱۱۹، س ۴-۳)؛ «موقوف بر شرایط بسیارست» (معراجیه، ۱۶۷، س ۱۴).

«را» فک اضافه: «اولیا را شناختن، ممکن است» (تلویحات، ۱۰۵، س ۲-۱).

«را» به جای «به»: «انبیاء علیهم السلام را می‌گفتند» (فواید، ۱۱۸، س ۸).

حذف «می» مضارع اخباری و مضارع استمراری: «نتواند معلوم کردن» (معراجیه، ۱۶۹، س ۵-۴)؛ «مقلدی از عوام از علمای رسوم حضرت شیخ را دیدی هرگز گمان نبردی» (فواید، ۱۱۶، س ۳-۲)؛ «نبینی که علم رمل که چون مکشوف دانیال است» (تلویحات، ۱۰۵، س ۹).

حذف فعل: ۱. به قرینه لفظی: «چون غیبت در رکود حواس ظاهره مانند نوم است و در نزول فیض مانند صحو» (معراجیه، ۱۷۱، س ۱۴-۱۳)؛ ۲. به قرینه معنوی: «آفتاب هویت در سحاب بشریت مستتر» (فواید، ۱۲۴-۱۲۳، س ۱۵ و ۱).

حذف فاعل جمله به قرینه لفظی: «بسیار از اکابر اولیا بودند و هستند و خواهند بود» (تلویحات، ۱۰۰، س ۵-۴).

حذف شناسه فعل به قرینه لفظی: «شفقتی نموده‌اند و او را از علمای امت امتیاز فرموده» (معراجیه، ۱۷۰، س ۴-۳).

استفاده از افعال وصفی: «ترحم نموده فرمود» (تلویحات، ۱۱۵، س ۱۱)؛ «عمر هیچ حکیم نبوده و نتواند بود» (فواید، ۱۳۱، س ۱۱).

استفاده از اصطلاحاتی چون: اما بعد، بدان، القصه، ای عزیز، ای مستعد: «اما بعد» (تلویحات، ۹۸، س ۵)، «ای مستعد» (تلویحات، ۹۹، س ۴)، «القصه» (تلویحات، ۱۱۶، س ۹-۸)،

«ای عزیز» (فواید، ۱۱۸، س ۶).

ویژگی‌های بلاغی

مراعات النظر: «لعل و زمرد و یاقوت» (معراجیه، ۱۶۷، س ۱)، «صم و بکم و نوم» (فواید، ۱۱۸، س ۵).

اشتقاق: «لم یزل و لایزال» (تلویحات، ۹۸، س ۸)، «تحقیق دقایق حقایق» (معراجیه، ۱۶۷، س ۱۴-۱۳).

ترادف: «غایت امانی و نهایت آمال» (تلویحات، ۹۸، س ۹)، «صعود و عروج و ترقیات» (معراجیه، ۱۷۷، س ۱۲).

طرد و عکس: «نبوت بر ولایت و ولایت بر نبوت» (تلویحات، ۱۰۱، س ۸)، «اکثر مواد فساد و فساد مواد» (معراجیه، ۱۶۹، س ۱۴).

سجع متوازی: «کثیفه و لطیفه» (معراجیه، ۱۶۶، س ۶)، «علمای رسوم و عوام الناس زعوم» (تلویحات، ۱۰۴، س ۲).

سجع متوازن: «ارواح ملکوتی و اعیان جبروتی» (معراجیه، ۱۶۶، س ۵-۴)، «مجبور ... مجبول» (تلویحات، ۱۰۱، س ۵-۱).

واج آرایبی: «مشارب عمیقہ عارفان محقق اقتباس انوار حقایق اغتراف میاه توحید و دقایق نمایی» (تلویحات، ۱۱۲، س ۱۵، ۱۱۳، ۱)؛ «اجتناب از معصیت و متابعت سنن صاحب رسالت و استقامت بر ارادت و محبت و تعطش به مقام قربت و ذهنی صافی و حدی وافی و علمی کافی، و صورتی به حسب قیافت پسندیده» (معراجیه، ۱۶۸، س ۴-۱).

تضاد: «سیاه و سفید» (معراجیه، ۱۶۹، س ۵)، «صحیح یا سقیم» (تلویحات، ۱۰۷، س ۷)، «اغذیه و اشربه حاره و بارده» (تلویحات، ۱۱۸، س ۱۱).

جناس خط: «خزانۀ خرابه» (تلویحات، ۱۱۵، س ۳)؛ «بی باکی و ناپاکی» (فواید، ۱۱۸، س ۷).

جناس مطرف: «مجبور ... مجبول» (تلویحات، ۱۰۱، س ۵-۱).

جناس لاحق: «در مناهی و ملاحی» (معراجیه، ۱۸۶، س ۹).

تنسیق الصفات: «سیاح فضای لامکانی طیار هوای بی نشانی مست شراب جاودانی» (معراجیه، ۱۷۵، س ۷-۶).

ترصیع: «صحبت خاصه و ملازمت انابت و مواظبت عبادت ... و ذهنی صافی و حدی وافی و

علمی کافی و صورتی به حسب قیافت پسندیده و سیرتی مزین به اخلاق حمیده» (معراجیه، ۱۶۸، س ۴-۱).

جمع: «آن است که چند چیز را در یک صفت جمع کنند که آن را جامع گویند» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۸۱). «قابلیت مقام ولایت و صفت مرشد کامل مکمل که در کشف و شهود و عیان و تجلی و اطوار سبعه قلبیه و معرفت حقایق توحید لئفسه و مکمل لغیره باشد» (معراجیه، ۱۶۷، س ۱۷-۱۶). «از اقوال و افعال و ارزاق و آجال و شرف و رذالت و حسن و قباح و نعمت و غنا و ... و سکنا و کلیات و جزویات همه مقدرات است» (فوائد، ۱۲۶، س ۴-۱).
تشبیه: «تیه ضلالت تقلید به عین الحیوه تحقیق» (تلویحات، ۱۱۳، س ۲). «اراضی طباع» (فوائد، ۱۲۳، س ۷)، «اودیه جهالت» (فوائد، ۱۲۲، س ۹).

ویژگی‌های فکری

رساله‌های معراجیه، تلویحات و فوائد به لحاظ فکری در زمره آثار عرفانی و تعلیمی هستند. «منظور از ادبیات تعلیمی»، ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و همت خود را متوجه پرورش قوای روحانی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند. ادبیات تعلیمی طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. پند و اندرز، آموزه‌های زهد آمیز و اخلاقیات، گونه‌های رنگارنگ ادبیات تعلیمی هستند» (مشرف، ۱۳۸۹: ۹) «آرای صوفیه در فرهنگ و آداب و امثال و تربیت مسلمانان جهان نیز تاثیر مهمی داشته است. از جمله رواج فکر قناعت و رضا، اندیشه توکل و تسلیم که بسیاری از شرقیان را به خاکساری و درویش نهادی رهنمون شده است. ادب صوفیه از نظر تنوع و غنا در زبان فارسی و عربی، اهمیت فراوان دارد. این ادب هم شامل نظم است و هم نثر، هم فلسفه دارد، هم اخلاق. در اخلاق و تربیت از توجه به آنچه سطحی است در گذشته‌اند. وسعت، تنوع و گستردگی آرای صوفیه امتیاز خاصی به این آثار بخشیده است. این ادب وسیع و متنوع گاه با قلمرو ذوق و روح سرو کار دارد و گاه با دنیای عقل و فکر. آنچه با عقل و فکر خواننده سروکار دارد عرفان و حکمت صوفی است با موعظه و تربیت او» (انوشه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۹۵۳). توجه به معراج پیامبر (ص) و تشریح آن به روش عرفانی، توجه به معراج عرفا، تاکید بر عبادت خالصانه و با کیفیت به منظور تعالی روح و سیر در عوالم غیبی، متابعت از انبیاء و اولیاء در راستای معرفت الله تعالی، تهذیب نفس، دوری از اخلاق رذیله، طی مراتب سلوک تا رسیدن به مقام انسان کامل، توجه به راه شناخت اولیای الله و شناخت انسان کامل، محبت و عشق‌ورزی در حق اولیای الله، زیبایی، وحدت وجود، اصلاح

عقل، دوری از غرور، توجه به عشق، عمل به کتاب خدا، صحبت با اولیاء الله، از آموزه های عرفانی و تعلیمی این سه رساله است. به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

معراج با جسد مثالی

«در نظام فکری صدرای هر انسانی از آغاز حیات دنیوی به بعد در کل دارای چهار جسم است: جسم اول همان جسم ظاهری و مادی است که صدرای همانند فیلسوفان گذشته آن را ترکیبی از عناصر اربعه می داند. جسم دوم جسم لطیف و رقیقی به نام روح بخاری است. سومین جسم جسم برزخی است که از مجرد مثالی برخوردار است. به اعتقاد صدرای این جسم هم اکنون و در حیات دنیوی موجود است و نفس از طریق آن در بدن مادی تصرفاتی انجام می دهد و انسان با این جسم در عالم برزخ حاضر است» (رحیم پور و شکری، ۱۳۹۶: ۱۹۲). «جسم مکتسب و لطیف، وجودی مستقل، جدا از تن مادی که قالب اوست، دارد، این جسم می تواند به دلیل توان های باطنی مترکم شده اش، مانند رفتارها و عادات و ملکات، با یکی از چهار مقوله وجود مناسبات باطنی داشته باشد: یعنی با فرشته، دیو، حیوان و بهیمه» (شایگان، ۱۳۸۷: ۲۴۵). «اکنون بدان که حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله به معراج با جسد رفت؛ اما جسد لطیف مکتسب مثالی» (معراجیه، ۱۷۰: ۱۲-۱۰).

مشاهدات معراج همه صور مثالی بوده است

سید محمد نوربخش ۲۲ صورت مثالی در معراج پیامبر مطرح کرده و برای هر کدام معنایی عرفانی ارائه می دهد. «عنصر مثالی، «ماده ای روحانی» است، لفاف لطیف نفس، و ماده ای اثری است که رنگ ها، صداها و نواهای موسیقایی دریافته در رویاهای ما از آن ساخته شده اند. عنصر مثالی به متافیزیک بر می گردد. زیرا این نمودهای لطیف همه از آن جهانی هستند که قوانین خاص خود، مکان و زمان و علیت خاص خود را دارد؛ جهان مجرد خیال که از دیدگاه وجودی واقعی تر و حقیقی تر از جهان نمودهای محسوس است» (شایگان، ۱۳۸۷: ۲۵۴). «صور مثالین نه از ناخودآگاه که از فوق خودآگاه برمی خیزند. بنابراین، صوری تعقلی اند» (همان: ۸۴). «از مسجد حرام به مسجد اقصی بردن صورت انتقال است در ملکوت سفلی از مقامی به مقامی. امامت کردن انبیا را در نماز صورت آن است که در امت وی ورثه انبیا که اولیا و علمای ربانی اند بسیار باشند... براق مرکب طاعت و صورت مثالی نماز است. زین و لجام صورت مثالی حضور خاطر و جمعیت تمام است» (معراجیه، ۱۷۹-۱۸۲).

معراج عرفا

«عروج اهل تصوف عبارت از آن است که روح سالک در حال صحت و بیداری از بدن سالک بیرون آید، و احوالی که بعد از مرگ بر وی مکشوف خواست گشت، اکنون پیش از مرگ بر وی مکشوف گردد و بهشت و دوزخ را مطالعه کند، و احوال بهشتیان و دوزخیان را مشاهده کند، و از مرتبه علم‌الیقین به مرتبه عین‌الیقین رسد، و هرچه دانسته بود، ببیند» (نسفی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). «مست بی باده و جام بایزید بسطام ... دید که از بالای عرش سی هزار سال پرید ... دیگر سکر آن شراب طهور ربانی نورالدین جعفر بدخشانی ... دید که از بالای عرش سی هزار سال آن جهانی ... طیران نمود پای حضرت رسالت رسید» (معراجیه، صص ۱۷۵-۱۷۳).

نماز معراج مومن است

«علم خیال دارای این نیروی مخصوص است که محالات را ایجاد می‌کند و این نیرو از طریق نماز [= عبادت] فعال می‌شود» (کربن، ۱۳۹۵: ۳۲۳). «صلاه منتج معراج است و معراج نتیجه صلاه است. ای بسا کاملان از انبیا و اولیا که به جمعیت خاطر و صدق و اخلاص کامل و خشوع و خضوع تمام و توجه به حق به همگی همت و نفی ماسوی الله نمازی بگذارند و از برکت آن نماز مقبول عروج بر سماوات و سیر در جنات اتفاق افتاد» (معراجیه، ۱۷۷).

عوالم وجود

«در مطلق وجود عوالم جزویه لایتناهی است و عوالم کلیه پنج است لاهوت و جبروت و ملکوت و ملک و ناسوت» (معراجیه، ۱۶۹).

شناخت اولیا از تعریف اولیا

«به عقل و حس شناختن این طایفه متعذر است بلکه اولیا را از تعریف اولیا باید شناخت» (تلویحات، ۱۱۶). «احوال این طایفه هم این طایفه شناسند و اجمال احوال اولیا جز به نفوس زاکیه و قلوب صافیه اولیا برتابند» (معراجیه، ۱۷۶-۱۷۵).

متابعت از انبیا و اولیا و محبت در حق ایشان

«وصول حقیقی به سرادقات جلال و سبحات جمال ... بی‌واسطه هدایت و ولایت این طایفه متعذر است» (تلویحات، ۹۸). «باید که ... خود را در سلک آن طبقه که ایمان به انبیا داشتند منسلک داری باید که به خلوص نیت معتقد اولیای زمان شوی تا از برکت صحبت شریف ایشان بر

حقیقت وقوفی حاصل شود» (فوائد، ۱۲۳).

فرق بین نبوت و ولایت

«افتراق میانه نبوت و ولایت دو چیزست. اول آنکه مکاشفات انبیا در اکثر شرایع و آفایات است و مشاهدات اولیا در حقایق و انفسیات. دوم آنکه عین ثابتۀ نبی مجبور بر دعوت و اصلاح خلق تا حدی که ترک دعوت نزد وی عصیان است و این معنی نزد مکاشفات در قرآن ظهور آن نبی اکمل و عین ثابتۀ ولی مجبول است بر توجه به عوالم علوی و مغیبات و عمارات و تطمین باطن خود از ذمائم صفات» (تلویحات، ۱۰۱-۱۰۰).

مقام صحو

«صحو مخصوص اکابر انبیا و کامل اولیاست. مرتبۀ معاینه که نتیجۀ وی است من جمیع الوجوه از مرتبۀ مکاشفه و مشاهده اعلی است» (معراجیه، ۱۷۰). «اگر احياناً روحانیت و سکر بر کاملی غالب شود ... و به عالم کثیف جسمانی هیچ شعور نداشته باشد نزد کاملان مکمل که بر مشرب انبیانند دون مقام و مشرب آن ولی دارند که صاحب صحو است... مشرب صحو اعلی از سکر دائمی است» (تلویحات، ۱۱۱).

انسان مستجمع جمیع صفات علوی و سفلی است

«احوال سایر انبیا و اکابر اولیا بر این نهج باید دانست که گاهی متوجه لاهوت‌اند و گاهی متوجه ناسوت. وقتی مست شراب وحدت‌اند وقتی عطشان سراب کثرت» (فوائد، ۱۱۲-۱۱۱). «بدان که حقیقت نبوت و ولایت و صفت خلقت و بشریت مانع الجمع نبوده‌اند» (تلویحات، ۱۱۴). «انسان مستجمع جمیع صفات علوی و سفلی است و به مقتضیات صفات جامعه خود گاهی مستغرق دریای وحدت گشته حیران است و گاهی راغب حفظ طبیعت بوده با نسوان است» (معراجیه، ۱۸۲).

مخالفت با حکمای طبیعی و فقهای سنی و شیعی درباره حقایق عرفانی

«قول حکمای طبیعی و فقهای سنی و شیعی هر دو از حقیقت معراج قاصر است. کسی که به عالم ملکوت و جبروت نرسیده باشد و فضای بی‌منتهای آن را ندیده باشد، پیداست که وقوف چنان کسی بر مراتب وجود چه مقدار باشد. قول فقهای سنی و شیعی از بهر آن قاصر است که ارتکاب امور عمیقۀ دقیقه می نمایند که به حسب شریعت بر ایشان نه فرض است و نه سنت» (معراجیه، ۱۷۰-۱۶۸). «حکمای طبیعی و متصوفه لفظی را نرسد در احوال انبیا و اولیا مانند

معراج و غیره خوض نمودن و اگر رعونت نفس و خودنمایی باعث شود و خوض نمایند رجماً بالغیب باشد» (همان، ۱۷۸).

انسان کامل

«تاثیر ابن عربی بر کل جهان اسلام و به ویژه بر طریقه‌های گوناگون تصوف از جمله سهروردیه، نقشبندیه، چشتیه، نوربخشیه، ذهبیه و ... انکار نشدنی است» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۰: ۴۱). «وی در بیان عوالم کلیه، عالم پنجم را عالم ناسوت و همان انسان کامل، دانسته است که به صفت جامعیت و مظهر و آینه متصف شده و آخرین تنزلات و خاتم موجودات و علت غایی است» (همان، ۴۶). «اگر در جمیع مراتب در مقامات و احوال و کمالات متصرف باشد انسان کامل و قطب الاقطاب و غوث اعظم و امام الاولیاء و وارث مصطفی و مرکز دایره وجود و مظهر ذات و خلیفه الله عبارت از وجود شریف آن سیمرخ قاف لاهوت بود و به اتفاق اهل کشف و تحقیق دنیا از چنین مظهري هرگز خالی نبود چون دایره وجود بی مرکز محالست که موجود بود» (تلویحات، ۱۰۳).

وحدت وجود

«ابن عربی معتقد بود که همه هستی اساساً واحد است، و آن همه تجلی ذات الهی است» (مبانی عرفان و احوال عارفان، حلبی: ۵۱۶). «ای عزیز بدان که مجموع نقوش صفحات کاینات و ارقام موجودات صنایع و بدایع حکیم علی الاطلاق است که به ید قدرت و قلم ارادت مرقوم و منقوش گشته از مکن و وحدت به صحرای کثرت آمده است ... چون دیده دل این طایفه به کحل الجواهر مکاشفه بینا گردد و ذرات کائنات در اشعه شمس تجلیات اضمحلال و فنا یابد، الواح مختلفه اصداد در خم وحدت صبغه الله به رنگ بی رنگی منضج گردد سالک واصل از اودیه اختلافات عوام خلاص یابد و در دریای وحدت به استخراج لولو حقیقت غواص شود» (فواید: ۱۳۴).

نجوم

«احکام نجوم: عبارت از فن یا روشی است برای غیب گویی بر پایه این اعتقاد که ستارگان آسمانی در امور زمینی، و به ویژه سرنوشت جانوران و آدمی زادگان، موثراند. این فن را در اسلام تنجیم و دانای بدان را متنجم و منجم گویند» (حلبی، ۱۳۸۶: ۳۶) «ای عزیز بدان که در ضمن نجوم و حکمت فواید دنیوی و اخروی بسیار است ... هر چه در عرصه زمین وقوع

می‌یابد به وسایط و اسباب کواکب در بروج و افلاک بر موالید عنصری و ساکنان خطه خاک فایض می‌شود» (فوائد، ۱۲۶-۱۲۵). «علم نجوم و حکمت منتج معرفت اهل الله است» (فوائد، ۱۳۰-۱۲۹). «هر کس از این علم شریف باخبر باشد اشتغال به امور مهم در اوقات و ساعات متناسبه نماید به وجه احسن آن امر متمشی گردد» (فوائد، ۱۲۶).

مذمت علوم غریبه

«تصرف در امور غریبه چون تسخیر و سیمیا مستحسن نیست ... اگر کسی از علوم غریبه چیزی داند در لباس کرامت ظاهر کند ملبس باشد و ملبس از جنود ابلیس است ... بسیار جوکیان هستند در بلاد هند که می‌پرند و حال آنکه خارج دین و داخل کفرند ... اگر پریدن فضیلت بودی فضل جوکی نجس بر نبی مرسل لازم آید و این معنی خلاف عقل و دین است» (تلویحات، ۱۰۸-۱۰۴).

خوارق عادات

«قسم اول معنویات صرف که آن خاصه انبیاء و اولیاء است چون اطوار قلبی و مکاشفات ملکوتی و تجلیات و حقایق توحید ذات و صفات. قسم دوم مشترکات است میان نبی و ولی و منجم و رمال و جوکی ... قسم سیوم مزخرفاتی که در معنی هیچ مدخل ندارند و اولیا و انبیا از آن معراند که آن سحر و سیمیاست و تسخیرات و غیرهم» (همان، ۱۰۶-۱۰۵).

نهی از صفات نکوهیده

«ای عزیز! بدان که خواص ظلم و طغیان و فسق و عصیان و بی باکی و ناپاکی آن است که دل انسان به موت و صم و بکم و عما و نوم و قساوت به سبب آن مبتلا گردد» (فوائد، ۱۱۸)؛ «اکابر اولیا در نصایح و وصایا مبالغه و تاکید بسیار کرده‌اند که در هیچ کس به حقارت نظر نباید کرد» (تلویحات، ۱۱۵-۱۱۴)؛ «باید که از ظواهر حقیر نبی و ولی گمان حقارت باطن نبی که جمیع جهال ماتقدم از اینجا مغلطه یافتند.» (ر.ک: فوائد، ۱۲۳)؛ «به دولت دو روزه دنیا و سلطنت گذرنده بی‌بقا فریفته شدن کار دون‌همتان است. از احوال ملوک و سلاطین گذشته یاد باید فرمود و اعتبار باید نمود و سرمایه عمر عزیز در مناهی و ملاهی نباید باخت و مرکب غرور در میدان تمتعات نفسانی بسیار نباید تاخت» (معراجیه، ۱۸۶).

نقل از زندگی عرفا و انبیا

«نقل است که نبی حکما ... حضرت دانیال ع به تلامذه و ملازمان اشاره فرمود» (فوائد، ۱۲۹).

«نقل است که ... شیخ علی لالا قدس الله سره در عبور جاریه ای را دید که می‌گریست حضرت شیخ پرسید که سبب گریه چیست» (تلویحات، ۱۱۵).

اهل بیت

«نوربخش و یارانش در نشر تشیع در قرن نهم اهمیت خاصی داشتند و حتی یکی از لوازم کمال را در سلوک اعتقاد به تشیع می‌دانسته‌اند. طرفداران این فرقه تنها دسته از شیعه‌اند که در قرن نهم به نوعی «قیام» متوسل شدند» (صفا، ۱۳۸۳: ۵۶). «سلطان الاولیاء حضرت مرتضی است ... و امام الثقلین حضرت امام حسین» (تلویحات، ۱۰۹) «فلک پیوسته می‌مالد مرا گوش/ که در حب علی و آل او کوش؛ ز مشرق تا به مغرب گر امام است/ علی و آل او ما را تمام است» (معراجیه، ۱۸۶-۱۸۵).

عشق

سید محمد نوربخش بیشتر طرفدار عشق است تا عقل. «عقل در معرفت اولیا عاجزست باید که به عقل خود اعتماد نکنی ... به عقل و حس شناختن این طایفه معتذر است، بلکه اولیا را از تعریف اولیا توان شناخت ... به عقل و حس نتوان ره به عاشقان بردن/ به پای عشق توان در راه جنان رفتن» (تلویحات، ۱۱۶) «هر کس بهر عالم که بینا نیست در شناختن آن قاصر است. عقل در کوی عشق نابیناست/ عاقلی کار بوعلی سیناست» (معراجیه، ۱۶۹).

پیروی از پیر

«این زمان دانستم که بی پیر کارکرده راه دیده، سلوک خطاست» (معراجیه، ۱۷۵). «هر تیره روزگار که ولی مرشد ندارد، در اودیۀ ضلالت سرگردان است» (تلویحات، ۱۱۴).

نتیجه‌گیری

سید محمد نوربخش از عارفان و صوفیان قرن هشتم و نهم هجری و مؤسس سلسله نوربخشیه است. رساله‌های معراجیه، تلویحات و فواید از آثار منشور دوره تیموری است که محتوای عرفانی و تعلیمی دارند. از نظر زبان به سبک فنی نوشته شده‌اند تا ساده و مرسل؛ چرا که در جای جای نوشته‌ها نویسنده از آیات قرآنی، احادیث، کلمات عربی، جملات معترضه، سجع و موازنه و آرایه‌های ادبی مثل تضاد، اشتقاق، ترصیع، مترادف، تکرار واژگان و حروف استفاده و سعی کرده نثری آهنگین و هنری خلق شود. سجع بارزترین صنعت ادبی این رسالات است. نویسنده در رساله معراجیه به معراج پیامبر با جسد مثالی معتقد است و همه مشاهدات

معراج را صور مثالی می‌داند که به روش عرفانی با اجزای نماز تطبیق داده و با اطوار سبعة قلبی و افلاک تسعه شرح می‌دهد. ایشان نماز را معراج مومن می‌دانند و معتقدند به وسیله یک نماز با کیفیت می‌توان در عوالم غیب سیر و سلوک کرد. وی مخالف اقوال فقهای اهل صورت اعم از شیعی و سنی و نیز حکمای طبیعی در شرح حقایق عرفانی همچون معراج بوده و معتقد است کسی می‌تواند در این مباحث غور کند که تجربه عرفانی و سیر و سلوک داشته باشد. انسان را مستجمع صفات لاهوتی و ناسوتی می‌داند. در رساله تلویحات به جایگاه و مقام انبیاء و اولیاء و نقش آن‌ها در هدایت انسان‌ها پرداخته و به تفاوت‌های و شباهت‌های نبی و ولی اشاره می‌کند. عوام‌الناس و برخی علمای رسوم را از درک مقام اولیاء عاجز دانسته و در تبیین و اثبات صفات بشری برای انبیاء و اولیاء کوشیده و صفات بشری را علی‌رغم نظر ظاهرینان با مقام آنها نفی نمی‌کند. علوم غریبه را در راستای کشف و کرامت و فریفتن مردم مذمت می‌کند. مخاطب خود را به توسل و محبت در حق اولیای الله تشویق می‌کند. در رساله فواید به عواقب ظلم و طغیان و تاثیر گناه روی انسان‌ها اشاره کرده و تشویق به اجتهاد در احیای قلب در راستای توسل به کلام الله و اولیای الله می‌کند. مشابهت اهل کفر را در همه زمان‌ها متذکر شده و از عقاید افراطی آن‌ها در حق اولیای الله پرده بر می‌دارد. به فواید دنیوی و اخروی علم نجوم اشاره کرده و از وحدت وجود سخن گفته تشویق به زیبایی می‌کند. وی برای پیش بردن بحث خود و شرح مطلب از آیات قرآنی، احادیث، اصطلاحات عرفانی، فلسفی، اشعار، حکایت، زندگی پیامبران الهی، ائمه اطهار، عرفا استفاده می‌کند و با لحن ای عزیز! ای مستعد! مخاطب خود را مود خطاب قرار می‌دهد.

پی نوشت

۱. رکابه‌دار: رکابه مأخوذ است از رکاب (حلقه ماندی از فلز که در دو طرف زین مرکوب آویزند و به هنگام سواری پای در آن کنند). به علاوه رسمی در عرف نسخه‌نویسی است که به اولین سطر صفحه سمت چپ گفته می‌شود که در کناره سمت چپ و در زیر آخرین سطر صفحه سمت راست کتابت شده باشد. رکابه‌نویسی از آداب رایج در نسخه‌نویسی و کتابت بوده است و نقش صفحه‌شمار را به عهده داشته است (ر.ک: مایل هروی، ۱۳۶۹، ۲۹۴).

۲. بوستان سعدی، ۱۳۷۹: ۹۲.

۳. منطق الطیر عطار، ۱۳۷۸: ۹۴.

منابع

کتاب‌ها

انوشه، حسن (۱۳۷۶) *فرهنگنامه ادبی فارسی: گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی، دانشنامه ادب فارسی (۲)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

- بهار، محمد تقی (۱۳۳۷) *سبک‌شناسی*، جلد ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۷) *مبانی عرفان و احوال عارفان*، تهران: انتشارات اساطیر.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۶) *تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی*، تهران: اساطیر.
- خزائلی، محمد (۱۳۷۹) *شرح بوستان سعدی*، تهران: انتشارات فخر رازی.
- خطیبی، حسین (۱۳۶۶) *فن نثر در ادب فارسی*، تهران: انتشارات زوآر.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۳) *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، جلد ۳۶ و ۳۰، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۳) *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، جلد ۷ و ۳، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۷) *هانری کرین: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) *سبک‌شناسی نثر*، تهران: انتشارات میترا.
- شوشتری، نورالله (۱۳۹۲) *مجالس المومنین*، تصحیح ابراهیم عرب‌پور و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- شیبی، کامل مصطفی (۱۳۹۶) *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صدقیانلو، جعفر (۱۳۵۱) *تحقیق در احوال و آثار سید محمد نوربخشی اویسی*، بی‌جا: بی‌نا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۳) *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوس.
- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸) *منطق‌الطیر*، به کوشش صادق گوهرین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۵) *دیوان عطار نیشابوری*، به سعی و اهتمام پروین قائمی، تهران: نشر پیمان.

کرین، هانری (۱۳۹۵) *تخیل خلاق در عرفان ابن عربی*، ترجمه انشالله رحمتی، تهران: جامی.
مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹) *نقد و تصحیح متون*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان
قدس رضوی.

۲۳

مشفرف، مریم (۱۳۸۹) *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*، تهران: انتشارات سخن.
نسفی، عزیزالدین (۱۳۹۰) *مجموعه رسائل مشهور به کتاب الانسان الكامل*، تصحیح و مقدمه
ماریژان موله، تهران: انتشارات طهوری.

نوربخش خراسانی، سید محمد، *معراجیه*، نسخه خطی به شماره ۱۵/۱۹۷، کتابخانه مجلس
شورای اسلامی.

نوربخش خراسانی، سید محمد، *معراجیه*، نسخه خطی به شماره ۱۹/۵۴۷، کتابخانه مجلس
شورای اسلامی.

نوربخش خراسانی، سید محمد، *تلویحات*، نسخه خطی به شماره ۷/۳۹۳۹، کتابخانه مجلس
شورای اسلامی.

نوربخش خراسانی، سید محمد، *فوائد*، نسخه خطی به شماره ۸/۳۹۳۹، کتابخانه مجلس
شورای اسلامی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹) *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: انتشارات اهورا.

مقالات

الگار، حامد. (۱۳۹۱). *نوربخشیه*. ترجمه محمودرضا اسفندیار و جمشید جلالی شیجانی.
اطلاعات حکمت و معرفت، ۷(۴)، ۵۴-۵۶.

جلالی شیجانی، جمشید. (۱۳۹۰). تأثیر آراء ابن عربی بر تفکر عرفانی سیدمحمد نوربخش.
ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۷(۲۳)، ۳۰-۵۰. Dor:20.1001.1.20084420.1390.7.23.2.2

جلالی شیجانی، جمشید. (۱۳۹۴). خاتم الاولیا از دیدگاه ابن عربی و سید محمد نوربخش.
پژوهشنامه ادیان، ۸(۱۶)، ۱-۳۱. Dor:20.1001.1.20080476.1394.8.2.1.8

حاجیان‌پور، حمید، حکیمی‌پور، اکبر. (۱۳۹۱). کارکردهای اجتماعی طریقت نوربخشیه از
آغاز تا عصر صفوی. *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، ۱(۱)، ۲۵-۴۶.

رحیم‌پور، فروغ‌السادات، شکری، محمود. (۱۳۹۶). مراتب جسم انسان از نگاه صدرالمتالهین،
قیسات، ۲۲(۸۳)، ۲۱۱-۱۹۴.

مولوی، محمد شفیع. (۱۳۷۲). *نوربخشیان*. ترجمه سید محمد مهدی، معارف، ۹(۳)، ۷۷-

۱۰۸.

References

Books

Anoushe, Hassan (1997) *Dictionary of Persian literature: a selection of terms, themes and subjects of Persian literature, Dictionary of Persian literature (2)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization.

Atar Neishabouri, Mohammad Bin Ibrahim (1999) *Al-Tir Logic, by Sadegh Goharin*, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Attar Neishabouri, Mohammad bin Ibrahim (2015) *Attar Neishabouri's Diwan*, by Parvin Qaemi, Tehran: Peyman Publishing House.

Bahar, Mohammad Taqi (2013) *Stylistics, Volume 3*, Tehran: Amirkabir Publications.

Draiti, Mustafa (2013) *Catalog of Iranian Manuscripts (DANA)*, Volumes 7 and 3, Tehran: Documents and Library Organization of the Islamic Republic of Iran.

Draiti, Mustafa (2013) *Indexes of Iranian Manuscripts (Fankha)*, Volumes 36 and 30, Tehran: Document and Library Organization of the Islamic Republic of Iran.

Halabi, Ali Asghar (1998) *Fundamentals of Mysticism and The Mystical World*, Tehran: Asatir Publications.

Halabi, Ali Asghar (2007) *History of Philosophy in Iran and the Islamic World*, Tehran: Asatir.

Homayi, Jalaluddin (2009) *Rhetoric Techniques and Literary Industries*, Tehran: Ahura Publications.

Karbon, Henry (2015) *Creative Imagination in the Mysticism of Ibn Arabi*, translated by Inshallah Rahmati, Tehran: Jami.

Khatibi, Hossein (1987) *The Art of Prose in Persian Literature*, Tehran: Zovar Publications

Khazaeli, Mohammad (2000) *Description of Saadi's Bostan*, Tehran: Fakhr Razi Publications.

Mile Heravi, Najib (1990) *Criticism and Correction of Texts*, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.

Musharraf, Maryam (2010) *Essays in Iranian Educational Literature*, Tehran: Sokhon Publications.

Nasfi, Azizuddin (2011) *A Collection of Letters Known as Kitab al-Insan al-Kamal*, edited and introduced by Marijan Moleh, Tehran: Tahori Publications.

Nourbakhsh Khorasani, Seyyed Mohammad, *Fawaid*, manuscript number 8/3939, Islamic Council Library

Nourbakhsh Khorasani, Seyyed Mohammad, *Marajieh*, manuscript number 15/10197, Library of the Islamic Council.

Nourbakhsh Khorasani, Seyyed Mohammad, *Marajieh*, manuscript number 547/19, Library of the Islamic Council.

Nourbakhsh Khorasani, Seyyed Mohammad, *Talvihat*, manuscript number 7/3939, Islamic Council Library.

Safa, Zabihullah (2004) *History of Literature in Iran*, Tehran: Ferdous Publications.

Sedghianlou, Jafar (1972) *Research on the Status and Works of Seyyed Mohammad Nurbakhshi Owaisi*, No place: No publisher.

Shamisa, Siros (2000) *Prose stylistics*, Tehran: Mitra Publications.

Shaygan, Dariush (2008) *Henry Carbone: Horizons of Spiritual Thought in Iranian Islam*, Trans. Baqir Parham, Tehran: Farzan Rooz Publishing and Research.

Shibi, Kamel Mustafa (2016) *Shiism and Sufism until the beginning of the twelfth century*, Trans. Alireza Zakavati Qaragozlu, Tehran: Amir Kabir Publications.

Shushtri, Nurullah (2012) *Majlis al-Mu'minin*, edited by Ibrahim Arabpour and others, Mashhad: Islamic Research Foundation.

Articles

Elgar, H. (2011). Illuminations. Trans. Mahmoudreza Esfandiar and Jamshid Jalali Shijani. *Information on Wisdom and Knowledge*, 7(4), 54-56.

Hajian Pour, H., Hakimi Pour, A. (2012). Social Functions Nurbakhshieh Path from Start to Safavid. *Pažuheš-Nâme-ye Târix-e Ejtemâ'i va Eqtesâdi (Socio Economic History Studies)*, 1(1), 25-46.

Jalali Sheyjani, J. (2015). The Seal of Sainthood from the Points of View of Ibn Arabî and Siyyid MuĒammad Nârbaksh. *Journal of Religious Studies*, 8(16), 1-31. doi:20.1001.1.20080476.1394.8.2.1.8.

Jalali Shijani, J. (2011). The Influence of Ibn Arabî's Thoughts on Seyyed Mohammad Noorbaksh. *Mytho-Mystic Literature*, 7(23), 30-50. doi: 20.1001.1.200 84420.1390.7.23.2.2.

Molavi, Mohammad Shafi. (1993). Nurbakhshian Trans. Seyyed Mohammad Mahdi, *Ma'arif*, 9(3), 77-108.

Rahimpour, F, Shokri, M. (2017). The Levels of the Human Body from the perspective of Sadrul Matalhin, *Qabasat*, 22(83), 211-194.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 56, Summer 2023, pp. 1-26

Date of receipt: 29/4/2020, Date of acceptance: 29/9/2020

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2023.701792](https://doi.org/10.30495/dk.2023.701792)

The Introduction and Investigation of Stylistic features of Three Dissertations by Seyyed Mohammad Noorbakhsh

Narges Afrooz¹, Dr. Aliasghar Halabi², Dr. Ahmad Ranjbar³

Abstract

The manuscripts of Me'rajiye, Talvihah and Favayed are three dissertations among the mystical and educational prose works of the Timurid period written by Mohammad Nourbakhsh. The prose style of the mentioned treatises is mostly technical since the author has employed more Arabic compounds, Ayas, haiths, literary devices such as rhyme, parallelism, derivations, synonyms, alliterations, paradoxes, allusion and similes. In the Me'rajiye dissertation, the Miraj of the Holy Prophet (PBUH) was explained through a mystical method. Nourbakhsh Khorasani believed that holy prophet Mohammad travelled to Me'raj in an exemplary body. He also had observed everything in their exemplary shapes. There are 11 surviving copies of this manuscript preserved in the libraries of Iran. It is worth noting that Talvihah and Favayed are single-copy dissertations. The Talvihah concerns the position of prophets and, the differences and similarities between the Prophet and the saints, the erroneous beliefs of the superficial scholars and the common people about the prophets and the saints, unusual habits, the austerity of Indian yogis, the raising consciousness and love for the saints of God. The Favayed includes the influences of sin and oppression on humankind, the self-purification, appealing to the men of God, criticizing the extremist views of the superficial people on the boundaries of knowledge, facilities and possessions of the saints of God, the truth of astronomy and the descents of unseen world. Using a library, analytical and descriptive methods, this research briefly refers to the life of Seyyed Mohammad Nourbakhsh Khorasani and introduces the Me'rajiye, the Talvihah, and the Favayed dissertations. The stylistic characteristics of these works are also investigated in terms of language, expression, and thought.

Keywords: Seyyed Mohammad Noorbakhsh, Manuscript, Stylistic Features, Me'rajiye, Talvihah and Favayed.

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. afroozalma@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) ali.halabi@iauctb.ac.ir

³ . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ahmad.ranjbar.v@gmail.com